



درد آمد

امروزه جنبش اسلامی فلسطین خود را وارث شهید عزالدین القسام، و پس از او شهید حسن البنا می‌داند. آن دو شهیدانی هستند که هر کدام با روش و راهکارهای خونین خود پرچم مبارزه مسلحانه را بر ضد استعمارگران غربی و جنبش صهیونیستی و سیل مهاجران یهودی، در سرزمین فلسطین بر افراشتند. القسام در دهه سوم قرن گذشته اولین هسته مسلحانه را به وجود آورد، و البنا در سال ۱۹۴۸ در پی اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی هزاران تن از نیروهای جماعت اخوان المسلمین را به فلسطین گسیل داشت. شاهد یاران به منظور آشنایی بیشتر با هویت و ماهیت مبارزه القسام به پای گفت و شنود با نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» در تهران نشسته است:

تشریح دلایل نامگذاری گردان‌های نظامی حماس به نام عزالدین القسام در گفت و گوی اختصاصی  
شاهد یاران با دکتر اسامه عبد المعطی نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین در تهران

## حماس، القسام را نشانه راه خود می‌داند...

نظر فکری و سیاسی یک انسان بسته و منزوی نبود. زمانی که در مصر سرگرم تحصیل بود با اندیشمندان و صاحب‌نظران و شخصیت‌های علمی روابط دوستانه داشت و زمانی که در سال ۱۹۰۶ به سوریه بازگشت با روحانیون و نیروهای انقلابی این کشور روابط همکاری برقرار کرد، و دیدگاه‌های خود را در زمینه جهاد با استعمارگران و دگرگونی وضع موجود بیان می‌کرد.

هنگامی که به فلسطین هجرت کرد به طور مستقل مبارزات خود را از صفر شروع کرد. به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نبود. در آن مرحله احزاب سیاسی فراوانی وجود داشتند. از جمله حزب العربی فلسطین وابسته به حاج امین الحسینی مفتی فلسطین و حزب الاستقلال به ریاست عون عبد الهادی و اکرم زعیتیر و حزب الدفاع که راغب النشاشیبی ریاست آن را برعهده داشت. با وجودی که همه این احزاب پس از شهادت القسام مدعی شدند که او در یکی آن‌ها عضویت داشته است. ولی این ادعا تاکنون ثابت نشده است. وقتی که همه این احزاب سیاسی ادعا می‌کنند که القسام عضو آن‌ها بوده است، این ادعا نشان می‌دهد که او در هیچ کدام از آن‌ها عضویت نداشته است. از اینکه شهید القسام مستقل حرکت می‌کرده من تردید ندارم. با این وصف احزاب یاد شده همه‌شان احزاب سیاسی کار بوده‌اند، در حالی که القسام یک انسان مجاهد بود و یک جنبش انقلابی را رهبری می‌کرد. این احزاب سیاسی در هیچ روزی مسئولیت پیامدهای عملیات جهادی القسام را نپذیرفتند. البته شهید شهید با سران احزاب یاد شده ارتباط داشت و با آنان مشورت و تبادل نظر می‌کرد. شاید به همین دلیل باشد که برخی از رهبران و اعضای احزاب یاد شده گمان کرده‌اند که شهید القسام یکی از آنان بوده است. القسام خود صاحب طرح جهادی و صاحب مکتب و رهبر یک جنبش جهادگر بود و جوانان انقلابی و پرشور را سازماندهی می‌کرد. اصولاً راهکار او با راهکار احزاب سیاسی آن روز بکلی متفاوت بود.

و تربیتی این اندیشمندان بر مبنای این محورها استوار بود. بی‌تردید القسام از این سرچشمه‌های جوشان سیراب شد، به طوری که این اندیشه‌ها در شکل‌گیری فکر و شخصیت و راهکار او اثر بسزایی داشت.

شهید القسام در سن جوانی در مرحله انتقالی فروپاشی دولت عثمانی و یورش استعمارگران غربی به سرزمین‌های اسلامی می‌زیسته و در آن مرحله برخی جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه فعال بوده‌اند. بفرمائید که شهید القسام با این جنبش‌ها ارتباط و همکاری هم داشت، یا به طور مستقل در فلسطین عمل می‌کرد؟

شیخ عزالدین القسام کیست و چه جایگاهی در ملت فلسطین دارد؟

بسم الله الرحمن الرحیم: مجاهد شهید عزالدین القسام کسی است که اولین انقلاب معاصر فلسطین را برانگیخت. این انقلاب در پی شهادت او در ماه نوامبر سال ۱۹۳۵ آغاز شد و با قدرت و پویایی و به شیوه‌های گوناگون ادامه یافت و تا امروزه همچنان ادامه دارد. القسام در سال ۱۸۸۲ در روستای جبله در سوریه متولد شد و در بیت علم و تقوا پرورش یافت، پدرش معلم قرآن بود. القسام در سال ۱۸۹۶ برای تحصیل علوم دینی و شریعت اسلامی در دانشگاه الازهر عازم مصر شد و تا سال ۱۹۰۶ در قاهره بسر برد. در این مدت با شخصیت‌های انقلابی و اندیشمندان آن دوره مصر ارتباط برقرار کرد و از علوم دانشگاه الازهر سیراب شد. دانشگاه الازهر در آن مرحله با دانشگاه الازهر امروزی بکلی تفاوت داشت. این دانشگاه در آن مرحله سرشار از نشاط و شادابی و پویایی بود. پایگاه قیام و انقلاب و نهضت اسلامی بر ضد استعمارگران به شمار می‌رفت. دانشگاه الازهر در طول تاریخ همواره با استعمارگران و متجاوزان در ستیز بوده است. الازهر پایگاه سیاستمداران و مردان میهن دوست و در رأس آن‌ها اندیشمندان بزرگ و رهبر فرزانه جهان اسلام سید جمال الدین افغانی (اسدآبادی) و شاگردان او شیخ محمد عبده و رشید رضا قرار داشت. شهید القسام با این اندیشمندان دیدار و با اندیشه‌های آنان آشنا شد.

شهید القسام رهبر جنبش انقلابی و مبتکر طرح نجات فلسطین در آن مرحله سرنوشت ساز بوده است. او به عنوان پیشوا و رهبر جنبش انقلابی با بسیاری از جریان‌ات و شخصیت‌های مبارز روابط فکری داشت. از نظر فکری و سیاسی یک انسان بسته و منزوی نبود. زمانی که در مصر سرگرم تحصیل بود با اندیشمندان و صاحب‌نظران و شخصیت‌های علمی روابط دوستانه داشت.

در منابع تاریخی به روابط شهید عزالدین القسام با جنبش‌های اسلامی و احزاب سیاسی آن مرحله جهان اسلام اشاره‌ای نشده است. البته با شخصیت‌های فکری و روحانیون و انجمن‌های اسلامی و مردمی فلسطین روابط گسترده داشته است. شهید القسام خود رهبر یک جنبش انقلابی و مبتکر طرح نجات فلسطین در آن مرحله سرنوشت ساز بوده است. او به عنوان یک پیشوا و رهبر یک جنبش انقلابی با بسیاری از جریان‌ات و شخصیت‌های مبارز روابط فکری داشت. از

بر فلسطین شرایط پایه گذاری کیان غاصب صهیونیستی و برپایی میهن قومی برای یهودیان در فلسطین را فراهم کرد. هدف از توسعه بندر حیفا، استقبال از هزاران مهاجر یهودی از سرتاسر جهان و تجهیز کردن آن‌ها به انواع اسلحه و آموزش نیروهای عضو جنبش صهیونیستی بوده است. البته نباید فراموش کرد که پیش از آمدن القسام به فلسطین احزاب سیاسی و جنبش‌های ملی در فلسطین حضور داشتند ولی مبارزات آن‌ها به فعالیت‌های سیاسی همچون برگزاری تظاهرات و دست زدن به اعتصابات محدود بود. این احزاب سیاسی به مبارزه مسلحانه بر ضد اشغالگران و مهاجران یهودی اعتقاد نداشتند و در برخی مسائل با انگلیسی‌ها سازش هم می‌کردند.

### راهکار و برنامه‌های احزاب سیاسی فلسطین پس از شهادت القسام چگونه بوده است؟

راهکار و فعالیت احزاب سیاسی و جنبش‌های ملی تا زمان شهادت شیخ عزالدین القسام و آغاز قیام همگانی و سراسری در سال ۱۹۳۶ سیاسی بوده است. این احزاب هیچ فعالیت جهادگرانه و مقاومت مسلحانه نداشتند. گاهی تظاهرات اعتراض آمیزی در قدس، عکا، حیفا، نابلس و غزه برگزار می‌شد ولی از عملیات مسلحانه خبری نبود. گاهی میان فلسطینی‌ها و مهاجران یهودی زد و خوردهای خیابانی روی می‌داد، اما این زد و خوردها خود جوش و نامنظم بود. به طور مثال در سال ۱۹۲۰ مردم به انقلاب دست زدند که توسط انگلیسی‌ها به شدت سرکوب شد. در سال ۱۹۲۹ نیز قیامی به نام انقلاب البراق شکل گرفت که باز هم سرکوب شد. در جریان این انقلاب صدها صهیونیست به هلاکت رسیده و صدها فلسطینی نیز در قدس شهید شدند. در پی این انقلاب مقام‌های دولت دست نشانده انگلیس سه مجاهد فلسطینی به نام‌های فؤاد حجازی و عطا الزیر و محمد جمجوم را به دار آویختند. شهادت این سه مجاهد تأثیر بسزایی بر روحیه شیخ عزالدین القسام برجای گذاشت، با وجودی که احزاب سیاسی و جنبش‌های ملی در برابر اعدام سه مجاهد یاد شده برخورد سیاسی و محتاطانه داشتند ولی شهید القسام در برابر این جنایت موضع انقلابی گرفت و مردم را به قیام و حمل

فرانسوی‌ها شیخ عزالدین القسام را به طور غیابی به اعدام محکوم کردند و ایشان بناچار از طریق لبنان به فلسطین مهاجرت کرد و در شهر حیفا استقرار یافت و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش را از مسجد الاستقلال از سر گرفت و مرحله جدیدی را از انسان سازی و گسترش آگاهی آغاز کرد.

القسام از تجربه انقلاب سوریه درس‌های خوبی آموخت. قیام مردم سوریه بر ضد استعمارگران پراکنده و ناهماهنگ بود. رهبری دانا و خردمند و منسجم نداشت. از ضعف انسان سازی و آموزش نیرو رنج می‌برد. این گروه‌های مقاوم از انسجام و سازماندهی شایسته بهره‌مند نبودند. مردم سوریه از نظر روحی آمادگی تداوم قیام را نداشتند. بر اساس این عوامل قیام مردم سوریه به راحتی و در عرض چند سال سرکوب شد. بنابراین تجربه قیام ناکام مردم سوریه به شهید عزالدین القسام آموخت تا با شیوه‌ها و راهکارهای متفاوتی پیکارش را در فلسطین آغاز کند. این تجربه باعث شد که از لحظه ورود به فلسطین انقلاب را آغاز نماید. ابتدا فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و انسان سازی و جامعه سازی را از مسجد آغاز کرد. به تیلور

استعدادهای عقیدتی و مهارت‌های رزمی و سازماندهی نیروهای رزمنده و مقاوم پرداخت. گروه‌های مجاهدی را به وجود آورد تا همیشه مشعلدار این راهکار جهادی باشند. افراد متعهد و فداکار را گزینش می‌کرد. برای گزینش افراد در جنبش شروطی را وضع کرده بود که هر کسی نمی‌توانست به راحتی به عضویت آن در آید.

### اوضاع سیاسی و اجتماعی فلسطین در زمان مهاجرت القسام چگونه بود؟ سپس احزاب سیاسی و جنبش‌های ملی چه برخوردی با ایشان داشتند؟

در اوائل دهه دوم از قرن بیستم که شیخ شهید به فلسطین هجرت کرد، چند سالی از اشغال فلسطین نگذشته بود. او از ابعاد خطرناک جنبش صهیونیستی در فلسطین آگاهی کامل داشت. طرح‌ها و توطئه‌های مشترک انگلیس و غرب و یهودیان را شناخته بود. در منابع تاریخی تصریح شده که شیخ شهید از زمان تحصیل در دانشگاه الازهر در قاهره از توطئه صهیونیسم در فلسطین خبر داشت. مرحوم رشید رضا یکی از اندیشمندان متعهد مصری و استاد القسام در کلاس‌های درس خود همواره به اهداف و ابعاد خطر صهیونیسم در فلسطین و در خاورمیانه هشدار می‌داد. شیخ عزالدین القسام از آن مرحله نسبت به خطر صهیونیست‌ها شناخت پیدا کرد. بنابراین زمانی که وارد فلسطین شد کینه و نفرت زیادی نسبت به غربی‌ها و انگلیسی‌های همپیمان صهیونیست‌ها در دل داشت. او از نزدیک می‌دید که بندر حیفا به پایگاه بزرگ دریایی برای انگلیسی‌ها در مرکز جهان اسلام تبدیل شده است. در این بندر دهها شناور نظامی و صدها جنگنده مستقر کرده بودند تا هرگونه قیام مردمی در جهان اسلام را سرکوب کنند. زمینه شکل گیری کیان صهیونیستی را در فلسطین فراهم نمایند.

«مجمع ملتها» که در آن مرحله نقش سازمان ملل متحد را داشت در سال ۱۹۲۰ با تصویب طرح قیمومیت انگلیس



### هویت جهادی القسام در فلسطین شکل گرفت یا در سوریه و یا هنگام تحصیل در قاهره؟

من معتقدم که هویت جهادی شهید عزالدین القسام پس از بازگشت از قاهره به سوریه شکل گرفت. حرکت جهاد گرانه او در فلسطین در ادامه راهکار او در سوریه بوده است. در حقیقت پیشینه مبارزات القسام به آغاز پیکار او در سوریه بازمی‌گردد. این مبارزات پیش از فروپاشی دولت عثمانی و در آستانه آغاز تهاجم نظامی استعمارگران فرانسوی به سوریه آغاز شده بود. او پس از بازگشت از قاهره خود را وقف دفاع از آرمان‌های امت در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی نمود. به محض بازگشت به سوریه به مقاومت در برابر اشغال لیبی توسط استعمارگران ایتالیایی برخاست و کوشید صدها رزمنده داوطلب را از سوریه به لیبی اعزام کند. در شهرهای استان لاذقیه تظاهرات با شکوهی در مخالفت با حمله ایتالیا به لیبی برپا شد.

برای دفاع از لیبی نیروهای داوطلب و انواع کمک‌های مالی جمع آوری کرد. القسام با این اقدامات انقلابی جایگاه مردمی قابل ملاحظه‌ای برای خود ایجاد کرد. القسام در جریان جنگ جهانی اول و پس از عقب نشینی نیروهای عثمانی و یورش اشغالگران فرانسوی و انگلیسی به سوریه مبارزات خود را بر ضد مهاجمان غربی شدت بخشید.

یورش نظامیان انگلیسی و فرانسوی به سوریه به تشکیل جنبش‌های ملی در این کشور منجر شد که در نتیجه آن عملیات مقاومت مسلحانه بر ضد اشغالگران آغاز گردید و شهید عزالدین القسام رهبری یکی از این گروه‌های جهادگر و مقاوم در مناطق شمال غربی سوریه را بر عهده داشت. قیام و عملیات مسلحانه گروه‌های جهادی به رهبری شیخ شهید در مناطق گوناگون سوریه ادامه داشت تا اینکه توسط استعمارگران فرانسوی قلع و قمع شد و صدها تن از مجاهدان بازداشت و شماری از رهبران جنبش فرار کردند، یا در کوهستان‌ها پنهان شدند.

**اکنون حکومت خودگردان برای بازگرداندن بخش کوچکی از سرزمین فلسطین با کیان غاصب مذاکره می‌کند. برای حکومت بر ۲۲ درصد اراضی فلسطین چانه می‌زند. این جریان به طور رایگان از ۷۸ درصد فلسطین چشم پوشی کرده و خواهان بازگرداندن سرزمین تاریخی فلسطین نیست. مسئولان این جریان دست در دست صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها گذاشته‌اند.**

اسلحه بر ضد انگلیسی‌ها فراخواند.

در این میان سران احزاب سیاسی فلسطین با برخی سران و پادشاهان عرب روابط دوستانه داشتند و بیشتر برنامه‌ها و حرکت‌شان را با آنان هماهنگ می‌کردند و این سران هم کاری از دستشان ساخته نبود.

فرموده‌اید، جریان‌ات سازشکار فراوانی در دوران حیات القسام وجود داشتند. به نظر شما اوضاع امروز فلسطین با اوضاع گذشته چه شباهتی دارد؟ آیا امروز هم چنین جریان‌اتی وجود دارند؟

این اقدام، فلسطینی‌ها و اعراب را به شدت غافلگیر کرد. به این دلیل که خود را برای کنترل اوضاع پس از خروج انگلیسی‌ها و رویارویی با یهودیان آماده نکرده بودند. این در حالی است که جنبش صهیونیستی برای کنترل اوضاع فلسطین پس از خروج اشغالگران انگلیسی، نیروهای خود را آموزش داده و آماده کرده بود. هزاران تن از صهیونیست‌ها در قالب ارتش انگلیس در جنگ جهانی دوم شرکت داشتند. نیروهای آموزش دیده و سازماندهی شده در اختیار داشتند. در فلسطین سازمان‌های نظامی و تروریستی همچون «هاگاناه» و «ارگون» و «اشترن» ایجاد کرده بودند. نیروهای وابسته به این سازمان‌ها، جنایات وحشیانه‌ای در حق ملت فلسطین مرتکب شدند. تعداد این نیروها از شصت هزار تن فراتر بود. در حالی که تعداد سربازان کشورهای عربی که در جنگ سال ۱۹۴۸ شرکت کردند حدود ۳۰ هزار تن بوده.

اسلحه و مهمات آن‌ها نیز قدیمی و فرسوده شده بود. بنابراین صهیونیست‌ها از نظر نظامی و سیاسی از پشتیبانی گسترده دولت‌های غربی برخوردار بودند. سازمان ملل متحد و برخی کشورهای بزرگ بیدارنگ برپایی رژیم صهیونیستی را برسمیت شناختند. مجمع ملت‌ها در سال ۱۹۲۰ با تصویب قطعنامه‌ای از دولت انگلیس خواست همه گونه امکانات را برای برپایی کیان غاصب فراهم کند. این در حالی است که یهودیان در آن سال فقط ۵ درصد جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دادند. در این مصوبه هیچ اشاره‌ای به حقوق و سرنوشت ملت فلسطین که صاحبان اصلی این سرزمین هستند نشده بود. فراموش نکنید که در سال ۱۹۱۷ منشور آرثر بالفور وزیر خارجه وقت انگلیس مبنی بر لزوم واگذاری سرزمین فلسطین به یهودیان به منظور برپایی میهن قومی صادر شده بود.

**ملت فلسطین در آن مرحله چه واکنشی به این توطئه‌ها نشان داد؟ میزان آگاهی و امکانات فلسطینی‌ها چگونه بود؟**

در حقیقت پیش از یورش استعمارگران انگلیسی به فلسطین، دولت عثمانی بر این سرزمین حکومت می‌کرد. بر خلاف روابط ناپایدار برخی ملت‌های منطقه با عثمانی‌ها، روابط

### گردان‌های مقاومت و نظامی حماس مفتخرند که پیام آور اندیشه و پرچمدار شیخ عزالدین القسام بوده و راه او را ادامه می‌دهند. سلاح رزمندگان مقاومت حماس همان سلاح شیخ شهید است که به وسیله آن با انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها جنگید و در راه آزادی و استقلال فلسطین شهید شد. این نامگذاری میزان آگاهی و شناخت جنبش حماس از هویت و نقش شهید القسام را می‌رساند.

سیاسی مسلمانان بوده است. غربی‌ها رژیم صهیونیستی را به این منظور در قلب جهان اسلام کاشتند تا بصورت یک قدرت بازدارنده، هرگونه حرکت آزادی خواهانه و استقلال طلبانه ملت‌های منطقه را سرکوب کند. در تاریخ شصت سال گذشته شاهد بودیم که رژیم صهیونیستی چند بار به کشورهای مصر و سوریه و لبنان حمله کرده و اکنون نیز برنامه‌های هسته‌ای مسالمت آمیز جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند.

از سوی دیگر کشورهای غربی با برپایی کیان غاصب در فلسطین قصد داشتند از مشکلات یهودیان ساکن کشورهای غربی نجات پیدا کنند. دولت‌های غربی ضمن مخالفت با ادامه استقرار یهودیان در کشورهای اروپایی آن‌ها را قلع و قمع کرده و وادارشان کردند تا به فلسطین کوچ کنند. البته با اخراج یهودیان از اروپا و اسکان آن‌ها در فلسطین اهدافشان خاتمه نیافت، بلکه آنان را ابزار اجرای طرح‌های استعماری غرب و عامل تأمین منافع قدرت‌های استکبار جهانی در جهان اسلام قرار دادند. به این دلیل می‌گویم که ایجاد کیان غاصب در فلسطین نتیجه طبیعی طرح مشترک غربی‌ها و جنبش صهیونیستی بوده که استعمارگران انگلیسی و فرانسوی و سایر دولت‌های استعماری از

این طرح پشتیبانی می‌کردند، صهیونیست‌ها بدون حمایت غرب هرگز توانایی ایجاد جای پای در فلسطین نداشتند. زیرا جمعیت فلسطین از مسلمانان و مسیحیان تشکیل شده بود.

یهودیان تا سال ۱۹۴۸ (سال برپایی کیان غاصب) فقط ۶۷ درصد اراضی فلسطین را در اختیار داشتند. این اراضی را با زور اسلحه و نیرنگ و فریب برخی خاندانهای مسیحی و غیر فلسطینی به تصرف خود در آورده بودند. این انگلیسی‌ها بودند که با تمام توان از صهیونیست‌ها پشتیبانی کردند. همه امکانات خود را برای تحقق این طرح بکار گرفتند. شهرک‌های صهیونیست نشین و تل آویو توسط انگلیسی‌ها ساخته شدند. اسلحه در اختیارشان قرار دادند. انگلیسی‌ها در سال ۱۹۴۸ این فرصت را برای یهودیان فراهم کردند تا همه پایگاه‌ها و پادگان‌های انگلیسی‌ها را به تصرف خود در آورند. زیرا یهودیان از لحظه عقب نشینی انگلیسی‌ها از فلسطین خبر داشتند. آنگاه انگلیسی‌ها همه پایگاه‌ها و پادگان‌های خود را تحویل یهودیان داده و از فلسطین عقب نشینی کردند.

امکان ندارد جریانات سازشکار کنونی در صحنه فلسطین را با جریانات سیاسی دوران حیات شهید القسام مورد مقایسه قرار دهیم، یا مشابه هم بدانیم. جریانات سیاسی و سازشکار کنونی، هیچ ارتباطی به سرزمین و ملت فلسطین ندارند. اکنون حکومت خودگردان برای بازگرداندن بخش کوچکی از فلسطین با کیان غاصب مذاکره می‌کند. برای حکومت بر ۲۲ درصد از سرزمین فلسطین چانه می‌زند. این جریان به طور رایگان از ۷۸ درصد سرزمین فلسطین چشم پوشی کرده است و خواهان بازگرداندن سرزمین تاریخی فلسطین نیست. مسئولان این جریان دست در دست صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها گذاشته اند. از سوی دیگر دستگاه‌های امنیتی این جریان شبانه روز با دستگاه‌های امنیتی کیان غاصب در کرانه باختری رود اردن هماهنگ هستند، تا نیروهای مقاومت و مجاهدان امت اسلامی را سرکوب کنند.

اوضاع گذشته با اوضاع کنونی یکلی متفاوت است. هیچ کدام از احزاب سیاسی آن روز فلسطین موافق گفت و گو با جنبش صهیونیستی نبودند. هیچ یک از سران احزاب یاد شده موافق چشم پوشی حتی از یک وجب خاک فلسطین نبود. حاج امین الحسینی در طول حیات خود همواره بر لزوم آزاد سازی سرتاسر زمین فلسطین تأکید می‌کرد. ایشان به خاطر موضع گیری اصولی در تبعید دار فانی را وداع گفت. هیچ وقت به کسی اجازه نمی‌داد از یک وجب خاک فلسطین چشم پوشی کند. حاج امین الحسینی به منظور دریافت کمک برای ملت فلسطین و اخراج یهودیان از این سرزمین با هیتلر صدر اعظم پیشین آلمان هم دیدار و مذاکره کرد. سران احزاب سیاسی و جنبش‌های ملی آن مرحله ملی گرا، میهن دوست و به سرزمین تاریخی فلسطین چنگ زده بودند. با جنبش صهیونیستی همواره در حال ستیز بودند. اگر گروهی پیدا می‌شد و از بخشی از سرزمین فلسطین چشم پوشی می‌کرد، احزاب سیاسی و جنبش‌های ملی، آن گروه را مزدور توصیف می‌کرده و افراد آن را به قتل می‌رساندند. سمسارهای زمین فروش به یهودیان را به قتل می‌رساندند. وجود جریان سازشکار کنونی در تاریخ فلسطین بیسابقه است. در دوران حیات شهید القسام مزدورانی وجود داشتند که به طور انفرادی با انگلیسی‌ها همکاری می‌کردند، سمسارهایی وجود داشتند که اراضی کشاورزی را به یهودیان می‌فروختند. برخی از فلسطینی‌ها به استخدام اداره پلیس انگلیسی‌ها درآمد بودند، و مجاهدان را تحت تعقیب قرار می‌دادند. همه این افراد و گروه‌ها به صورت انفرادی و مستقل با دشمن همکاری می‌کردند. ولی امروز دولت خودگردان به طور رسمی با دشمن همکاری می‌کند. افرادی که با دشمن همکاری می‌کردند مطرود جامعه بودند. اما امروز این مزدوران کنونی بر ملت فلسطین حکومت می‌کنند. امور فلسطین را اداره می‌کنند. به نام دولت خودگردان و حکومت فلسطین ملت مجاهدان فلسطین را سرکوب می‌کنند.

**راز موفقیت طرح صهیونیسم و غرب در اشغال فلسطین چه بوده است. به هر حال کیانی تأسیس شده و جامعه جهانی آن را برسمیت شناخته است؟**

همانگونه که اشاره کردید، کیان غاصب یک طرح غربی و صهیونیستی است. ابعاد این طرح وسیع تر و خطرناک تر از آن است که کیانی را در فلسطین برپا کنند و یهودیان جهان را در این سرزمین گردهم آورند. برپایی کیان غاصب صهیونیستی بر مبنای طرح مشترک غرب و جنبش صهیونیستی برنامه ریزی شده بود و هدف اول آن تضعیف امت عربی و امت اسلامی و جلوگیری از شکل گیری نهضت فراگیر در جهان اسلام بوده تا اهداف و منافع غرب را در جهان اسلام تهدید نکند. هدف دوم این طرح پراکنده سازی ملت‌های مسلمان و جلوگیری از رشد و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی و





فلسطینی‌ها با دولت عثمانی بسیار خوب بوده و نیازی نمی‌دیدند تا با دولت عثمانی درگیر شوند. فلسطینی‌ها به همین دلیل به تأسیس احزاب سیاسی و انجمن‌های مردمی گرایش نداشتند. دولت عثمانی را مرکز خلافت اسلامی می‌دانستند که از سرزمین‌ها و ملت اسلامی دفاع می‌کند. فلسطینی‌ها تا زمان فروپاشی دولت عثمانی به این دولت وفادار بودند. روشن است آخرین پادشاهان عثمانی با واگذاری سرزمین فلسطین به جنبش صهیونیستی مخالفت می‌کردند. زمانی که سلطان عبد الحمید به خلافت عثمانی رسید و به اصلاحات سیاسی دست زد، مردم فلسطین بیشتر به دولت عثمانی علاقمند شدند.

در آن مرحله در فلسطین جنبش‌های سیاسی مخالفت دولت عثمانی وجود نداشتند. آنگونه که در حجاز شریف حسین با انگلیسی‌ها همدست شد و بر ضد دولت عثمانی قیام کرد. یا آنگونه که برخی احزاب سیاسی در کشورهای مصر و سوریه و لبنان بر ضد دولت عثمانی قیام کردند. در آن مرحله احزاب و سازمان‌های سیاسی متعددی در جهان عرب وجود داشتند و با انگلیسی‌ها بر ضد دولت عثمانی همکاری می‌کردند. همه این عوامل باعث شد که مردم فلسطین نسبت به دولت عثمانی وفادار بمانند. بر این اساس جنبش‌های ملی و احزاب سیاسی در فلسطین پس از یورش انگلیسی‌ها شکل گرفت و بر جسته‌ترین آنها حزب عربی بود که حاج امین الحسینی مفتی قدس ریاست آن را بر عهده داشت.

**شهید عزالدین القسام چه جایگاهی در جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) دارد و نامگذاری شاخه نظامی حماس به نام شهید القسام چه پيامی را می‌رساند؟**

در حقیقت گزینش نام شهید عزالدین القسام از سوی حماس برای نامگذاری شاخه نظامی خود معانی و مفاهیم زیادی دارد. گزینش این نام برای «گردان‌های شهید عزالدین القسام» ابتکار موفقی بوده است. حماس با این گزینش راهکار و سیره این شهید بزرگ را احیا کرد. از جهاد و مبارزات شیخ قدردانی کرد. حماس بر این باور است که تجلیل و قدردانی از شهید عزالدین القسام از طریق برگزاری سمینارها و میزگردها کافی نیست و لازم است میراث فرهنگی و جهادی این شهید را میان مردم فلسطین زنده کند.

اکنون گردان‌های مقاومت حماس مفتخرند که پیام‌آور اندیشه‌ها و پرچمدار شهید عزالدین القسام هستند و راه او را ادامه می‌دهند. امروزه سلاح رزمندگان مقاومت حماس همان سلاح شیخ شهید است که به وسیله آن با انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها جنگید و در راه آزادی و استقلال فلسطین شهید شد. این نامگذاری میزان آگاهی و شناخت جنبش حماس از هویت و نقش شهید القسام را می‌رساند. جنبش حماس القسام را تنها به عنوان یکی از مردان برجسته در تاریخ فلسطین یا رهبر یک قیام و انقلاب مردمی نگاه نمی‌کند. در تاریخ فلسطین نام رهبران سیاسی و انقلابی

فراوانی وجود دارد. ولی هیچکدام آنها جایگاه شهید عزالدین القسام را ندارد.

در همین حال تاریخ معاصر فلسطین نام هیچ شخصیتی را به اندازه نام شهید عزالدین القسام جاودان ندانسته است. زیرا او پایه گذار جهاد و مقاومت در فلسطین بوده است. دیگران پس از او آمدند و راه او را ادامه دادند. القسام در آغاز قرن بیستم به فلسطین آمد و در عرض چند سال تشکیلاتی به وجود آورد که در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی فلسطین به عملیات جهادی و مسلحانه دست می‌زدند. زمانی که لحظه قیام فرا رسید خود و یارانش قیام خونینی را آغاز کردند که تا امروز ادامه دارد. القسام هنگام خروج از حیفا پیشبینی نمی‌کرد که به این زودی شهید بشود. او برای قیام همگانی برنامه ریزی کرده بود. گمان کرده بود با این حرکت، یک انقلاب همگانی برپا می‌کند و مردم شهرها و روستاهای فلسطین به او می‌پیوندند. او طرح همه جانبه و گسترده‌ای را تدارک دیده بود تا با اولین گلوله‌ای که به سوی اشغالگران شلیک می‌کند. همه مردم پشت سر او بپاخیزند. و همین طور هم شد. پس از شهادت او ملت فلسطین بیکپارچه بپاخاست و این قیام به مدت سه سال تداوم یافت، تا اینکه انگلیسی‌ها به شدت مردم را سرکوب کردند. خون شهید القسام و یاران شهید او انقلابی را برانگیخت که تا امروز ادامه دارد.

شکی نیست که قیام القسام نشانه‌ها و پیامدهای فراوانی بر جای گذاشت. یکی از نشانه‌های این قیام این است که همه احزاب سیاسی و انجمن‌های مردمی فلسطین شهید القسام را نماد و نشانه راه خود قرار دادند. مراسم تشییع و ترحیم و بزرگداشتی که برای این شهید در سرتاسر فلسطین برپا شد بی‌نظیر بود. چند ماه از شهادت ایشان نگذشته بود که مردم به تظاهرات و اعتصابات گسترده دست زدند که به زد و خورد با اشغالگران انگلیسی و مهاجران یهودی منجر شد. ولی این قیام همگانی و سراسری در نتیجه توطئه و دخالت پادشاهان برخی کشورهای عربی به شدت سرکوب شد. این قیام یکی از دستاوردهای خون شهید القسام بوده است. لذا این شهید مجاهد برگردن ملت فلسطین و حماس حق دارد و ما وظیفه داریم نام و یاد او را گرامی بداریم.

**با توجه به گسترش و تحکیم پایه‌های جنبش‌های جهادگر اسلامی در فلسطین، آینده طرح صهیونیستی را چگونه می‌بینید؟**

درباره آینده و سرنوشت رژیم صهیونیستی در فلسطین، اکنون خود صهیونیست‌ها بحث‌های زیادی مطرح کرده‌اند. اگر در این زمینه جوایی دیدگاه حماس هستید من به شما می‌گویم که این کیان غاصب

هیچ آینده‌ای در این سرزمین ندارد. با توجه به تجربیات تاریخی و با توجه به باورهای دینی و اعتقادی‌مان و ایمانی که به خداوند متعال داریم و آنچه در قرآن کریم ذکر شده و با توجه به همه نشانه‌های تاریخی اطمینان کامل داریم که کیان غاصب در فلسطینی پایدار نخواهد ماند. دیر یا زود از صفحه روزگار بر چیده خواهد شد. روز نابودی این رژیم نزدیک شده است. این رژیم در حال احتضار بسر می‌برد. این تنها سخن ما فلسطینی‌ها و مسلمانان نیست. بلکه این سخن بیشتر تحلیلگران و کارشناسان صهیونیست است.

پیشگامان و بنیانگذاران جنبش صهیونیستی این دیدگاه را دارند. اکنون سران رژیم صهیونیستی به تداوم این رژیم شک و تردید دارند. آنان به یقین رسیده‌اند که آینده‌ای در فلسطین ندارند. اکنون از خودشان می‌پرسند این کیان تا چند سال دیگر پایدار می‌ماند. آخرین رؤیای آنان این است که بیش از ۱۰ یا ۱۵ سال در فلسطین ماندگار خواهند بود. در یکی از روزنامه صهیونیستی خواندم که فرمانده پیشین نیروی هوایی‌شان که در حال احتضار بسر می‌برد به فرزندش گفت پس از مرگ من این زنگ خطر را به صدا درآور و به مردم بگو که پدرم مرتکب اشتباه بزرگی شد که به این سرزمین هجرت کرد. پدرم گمان می‌کرد که این کیان می‌تواند در این سرزمین پایدار بماند.

هنگامی که انتفاضه اول مردم فلسطین آغاز شد، شیمون پرز رئیس کنونی کیان صهیونیستی اعلام کرد که انتفاضه، صهیونیست‌ها را به نقطه صفر بازگردانده است. پرز پس از گذشت حدود ۵۰ سال از برپایی این رژیم در فلسطین اعلام کرده بود که هنوز در مرحله قبل از استقلال بسر

**در حقیقت گزینش نام شهید عزالدین القسام از سوی حماس برای نامگذاری شاخه نظامی خود معانی و مفاهیم زیادی دارد. گزینش این نام برای «گردان‌های شهید عزالدین القسام» ابتکار موفقی بوده است. حماس با این گزینش راهکار و سیره این شهید بزرگ را احیا کرد. از جهاد و مبارزات شیخ قدردانی کرد.**

می‌برد. امروز ۶۰ درصد جوانان یهودی گذرنامه‌های غیر اسرائیلی در اختیار دارند. خود را برای فرار از فلسطین آماده کرده‌اند. من بر این باورم که لحظه‌رهایی فلسطین نزدیک شده است. امروزه آمریکا بزرگترین حامی صهیونیست‌ها به شدت تضعیف شده است. اقتصاد آمریکا فروپاشیده. ناکامی و سردرگمی ارتش آمریکا در عراق و افغانستان، شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ در برابر حزب الله لبنان همه از نزدیک بودن فروپاشی رژیم صهیونیستی حکایت دارد. زیرا این کیان غاصب است و بر اساس ظلم و تجاوز برپا شده و کیانی که بر اساس ظلم و تجاوز شکل گرفته تداوم نخواهد داشت. ■

